

گسترش حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در خاک پاکستان

به نوشته نشریه داخلی کنگره آمریکا، حملات هواپیماهای بدون سرنشین ایالات متحده به بهانه جنگ علیه تروریسم به غیر از کشورهای در حال جنگ عراق و افغانستان در پاکستان هم گسترش چشمگیری داشته است.



به نوشته نشریه داخلی کنگره آمریکا، حملات هواپیماهای بدون سرنشین ایالات متحده به بهانه جنگ علیه تروریسم به غیر از کشورهای در حال جنگ عراق و افغانستان در پاکستان هم گسترش چشمگیری داشته است.

به گزارش فارس، و به نقل از هفته نامه "سی کیو ریسرچر" (CQ Researcher)، نشریه داخلی کنگره آمریکا، با افزایش حملات هواپیماهای بدون سرنشین نیروهای ائتلاف تحت فرماندهی آمریکا در افغانستان به مناطق قبایلی پاکستان و استفاده روزافزون از این هواپیماها در افغانستان، که شمار زیادی قربانی از میان غیر نظامیان گرفته است، موضوع استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین به موضوعی حساس و مطرح در سطح جهانی تبدیل شده است.

در این راستا، هفته نامه سی کیو ریسرچر، مقاله‌ای تحت عنوان استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در جنگ منتشر کرده و به بررسی ابعاد حقوقی و اخلاقی به‌کارگیری چنین جنگ افزارهایی پرداخته است.

این نشریه در ابتدا می‌نویسد: هواپیماهای بدون سرنشینی که به صورت کنترل از راه دور هدایت می‌شوند، به طور روزافزونی از سوی ارتش آمریکا در افغانستان و سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (سیا) در پاکستان و سایر حوزه‌هایی که خارج از مناطق جنگی شناخته شده قرار دارند، به کار گرفته می‌شوند. برخی از نخبگان بر این باورند که حملات صورت گرفته توسط هواپیماهای بدون سرنشین سیا در پاکستان غیر قانونی است در حالی که سایرین معتقدند این حملات در چهارچوب قوانین جنگی قرار دارند.

سی کیو ریسرچر ادامه می‌دهد: گسترش استفاده از پهبادهای جنگی در کنار افزایش تلفات غیر نظامی ناشی از حملات این هواپیماها، موجب شده نگرانی‌هایی در خصوص اخلاقی بودن استفاده از این جنگ‌افزارها و نیز میزان مؤثر بودن آن‌ها ایجاد شود.

نشریه مزبور می‌افزاید: ارتش آمریکا هم‌اکنون حدود 7 هزار هواپیمای بدون سرنشین در اختیار دارد و 40 کشور دیگر، شامل ایران و چین نیز از تکنولوژی ساخت چنین پهبادهایی برخوردارند. هواپیماهای بدون سرنشین امروزه در امور متنوعی - از کنترل مرزها و محیط زیست گرفته تا مبارزه و کشف مواد مخدر و بازرسی ساختمان‌ها - به کار می‌روند.

سی کیو ریسرچر همچنین آورده است: برخی سیاستگذاران نگران هستند که با توجه به گسترش استفاده از پهبادها در جهان، تکیه آمریکا به این دسته از جنگ‌افزارها نه تنها ایالات متحده را به کشور مقتدری از نظر نظامی تبدیل نمی‌سازد، بلکه این کشور را در معرض خطرات بیشتری از جانب دشمنانش که توانایی ساخت و کنترل پهبادها را دارند، قرار می‌دهد.

&8226#؛ حملات محرمانه ولی بسیار مشهود سیا علیه مظنونین مسلح در پاکستان

این نشریه در ادامه می‌نویسد: با حمله موشکی هواپیماهای بدون سرنشین سیا به "مصطفی ابوالیزید" - که به عنوان شیخ سعید المصری نیز شناخته می‌شد و از مظنونین شرکت در ترور "انور سادات"، رئیس جمهور سابق مصر در سال 1981 میلادی (1360 ه.ش) به شمار می‌رفت و به عنوان شخص سوم سازمان تروریستی القاعده شناخته شده بود و گمان می‌رفت مدیریت امور مالی حملات 11 سپتامبر 2001 در نیویورک و واشنگتن را بر عهده داشته است - در مناطق قبایلی نشین پاکستان، حملات پهبادهای آمریکایی وارد مرحله تازه‌ای شد.

سی کیو ریسرچر می‌افزاید: القاعده بعدا اعلام کرد که حمله هواپیماهای بدون سرنشین سیا هم‌چنین موجب کشته شدن همسر، سه دختر و نوه ابوالیزید در کنار برخی کودکان و بزرگسالان دیگر نیز شده است. این حمله تنها بخشی از استفاده گسترده و جنجال‌برانگیز از هواپیماهای بدون سرنشین در جمع‌آوری اطلاعات از صحنه نبرد و کشتن هدفمند مظنونان شبه‌نظامی و مسلح به شمار می‌آید.

نشریه داخلی کنگره آمریکا در این شماره خود آورده است: استفاده روزافزون از هواپیماهای بدون سرنشین موجب بروز نگرانی‌های متعددی در میان منتقدان شده است ولی بیشترین نگرانی‌ها در خصوص حملات محرمانه ولی بسیار مشهود سیا علیه مظنونین مسلح داخل پاکستان است.

منتقدان بر این باورند که استفاده سیا از هواپیماهای بدون سرنشین قوانین جنگی را نقض می‌کند زیرا این پهبادها توسط نیروهای غیر نظامی هدایت می‌شوند و حملات داخل خاک یک کشور مستقل به‌وقوع می‌پیوندند. مدافعان اینگونه حملات نیز بر این باورند که استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین اقدامی قانونی تحت قوانین جنگی بوده و دفاع از خود در جنگ علیه طالبان و القاعده محسوب می‌شوند.

&8226#؛ دولت اوپاما حملات را تشدید می‌کند

سی کیو ریسرچر به نقل از "بنیاد آمریکایی جدید" (New American Foundation)، یک مرکز مطالعاتی در واشنگتن، می‌نویسد: تاکنون، دولت "باراک اوپاما"، رئیس جمهور آمریکا (که از ژانویه 2009 سکان هدایت این کشور را بر عهده دارد) دست‌کم 101 مورد حمله با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در پاکستان انجام داده است که این تعداد بیش از دو برابر 45 حمله مشابهی است که در زمان رئیس جمهور پیشین، "جرج بوش" بین سال‌های 2004 تا 2008 میلادی انجام شد.

این نشریه به نقل از بنیاد مزبور، می‌افزاید: حجم بالای تلفات غیر نظامیان در این حملات، بر مناقشه پیرامون استفاده از هواپیماهای

بدون سرنشین در هدف قراردادن اهداف، افزوده است. تقریباً یک سوم قربانیان چنین حملاتی از سال 2004 تاکنون را غیر نظامیان تشکیل می‌دهند.

سی کیو ریسرچر ادامه می‌دهد: این در حالی است که برخی میزان تأثیر حملات پهبادها در کاهش حملات طالبان و القاعده را زیر سؤال می‌برند. خبرگزاری "رویترز" در گزارشی اعلام کرد که از زمان تشدید حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی در پاکستان در سال 2008، تعداد قربانیان رده‌های پایین گروه‌هایی نظیر القاعده و طالبان به مراتب بیشتر از قربانیان سطوح متوسط یا بالای آن‌ها بوده است.

نشریه کنگره آمریکا در ادامه گزارش خود آورده است: منتقدان بر این باورند که حملات هواپیماهای بدون سرنشین موجب افزایش احساسات ضد آمریکایی و گسترش تروریسم شده است. این دسته از منتقدان برای اثبات گفته‌های خود به پرونده "فیصل شهزاد"، مهاجر پاکستانی‌الاصل مقیم ایلات کنتیکت آمریکا اشاره می‌کنند که در ماه می سعی داشت خودرویی بمب‌گذاری شده را در میدان تایم نیویورک منفجر کند. وی که در دادگاه مجرم شناخته شد، یکی از علل اقدام خود را تداوم حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی در پاکستان عنوان کرد.

سی کیو ریسرچر می‌افزاید: این در حالی است که حامیان تداوم حملات هواپیماهای بدون سرنشین معتقدند که این حملات دقیق بوده و در قیاس با استفاده از حملات متعارف زمینی، هوایی یا موشکی، خسارات جانبی کمتری به بار می‌آورند و در نتیجه در نجات جان نیروهای آمریکایی نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند.

نشریه فوق ادامه می‌دهد: در سوم اوت، "اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا" (American Civil Liberties Union) و "مرکز حقوق قانونی" (Center for Constitutional Rights) دادخواستی را با مستندات گسترده علیه کشتار هدفمند به دادگاه ارائه کردند. این دادخواست حکم وزارت خزانه‌داری را که وکلا را ملزم می‌سازد برای دفاع از یک روحانی مسلمان متولد آمریکا - که به نظر می‌رسد در یمن مخفی شده و دولت اوباما نام وی را در فهرست ترور خود قرار داده است - مجوز خاصی را دریافت کنند، زیر سؤال می‌برد. در این راستا روزنامه "نیویورک تایمز" نوشت: به موجب این دادخواست، امکان بررسی برخی از مهم‌ترین مناقشاتی که در نبرد آمریکا علیه القاعده مطرح است به بوته آزمون گذارده می‌شود. از جمله می‌توان به بررسی موضوعاتی مانند این که آیا کل جهان عرصه نبرد محسوب می‌شود یا اینکه آیا مظنونین به تروریسم که در مناطقی دور از محدوده نبرد دستگیر شده‌اند، در غیاب یک تهدید فوری، باید دادگاهی شده و مانند یک مجرم با آن‌ها برخورد شود، اشاره کرد.

سی کیو ریسرچر در ادامه می‌نویسد: استفاده روزافزون از هواپیماهای جنگی بدون سرنشین بخشی از کارکرد وسیع این فناوری است که هم کاربرد نظامی دارد و هم کاربرد غیر نظامی. این کارکردها طیف وسیعی را از نظارت‌های زیست‌محیطی تا برخورد با قاچاقچیان مواد مخدر و جستجوهای پس از بروز حوادث، شامل می‌شود. ولی این بعد نظامی فناوری مزبور است که بیشترین مجادلات را به همراه داشته.

#8226& هفت هزار پرنده قاتل ایالات متحده در منطقه

نشریه فوق می‌افزاید: طی سال‌های اخیر، ارتش آمریکا میلیاردها دلار صرف گسترش ناوگان هواپیماهای بدون سرنشین خود کرده که در نتیجه آن، تعداد این پهبادها از 167 عدد در سال 2002 میلادی به بیش از هفت هزار عدد در سال جاری افزایش یافته است. در سال گذشته میلادی (2009) نیز تعداد افرادی که برای هدایت هواپیماهای بدون سرنشین توسط نیروی هوایی آمریکا آموزش دیدند، بیش از خلبان‌هایی بود که برای پروازهای نظامی متعارف تحت آموزش قرار گرفتند.

سی کیو ریسرچر می‌نویسد: این فناوری (هواپیماهای بدون سرنشین) قابلیت‌های چشم‌گیری در جهت شناسایی و کشتن به نمایش می‌گذارد. در خصوص هواپیماهای بدون سرنشین "پردتور" (درنده) و یا هم‌زاد قدرتمندتر آن "ریپر" (دروگر)، هدایتگرها در اتاق‌های فرمان که هزاران کیلومتر با منطقه خطر فاصله دارند نشسته و از طریق ارتباطات ماهواره‌ای، این پرنده‌ها را هدایت می‌کنند.

نشریه داخلی کنگره آمریکا ادامه می‌دهد: با توجه به قابلیت‌های این هواپیماها برای پروازهای طولانی‌مدت بدون دیده و یا ردیابی شدن - در خصوص پرتورها، باید گفت که این هواپیماهای بدون سرنشین می‌توانند تا ارتفاع 50 هزار پا (نزدیک 17 کیلومتر) بالا بروند - این پرنده‌های بدون سرنشین می‌توانند وظایف متعددی را از گرفتن تصاویر بسیار با کیفیت از نیروهای متخاصم و خودروهای آن‌ها تا هدف قراردادنشان با موشک‌های "هل فایر" (Hell Fire)، به انجام رسانند.

سی کیو ریسرچر می‌افزاید: آرشیو اطلاعات نظامی طبقه‌بندی شده‌ای که در ماه ژانویه توسط گروه "ویکی لیکز" (WikiLeaks) افشا شد، به خوبی قدرت مرگبار پرتورها را به تصویر می‌کشد.

این نشریه در ادامه به نقل از روزنامه نیویورک تایمز می‌نویسد: در اوایل زمستان سال 2008 میلادی، یک فروند پرتور یک گروه از نیروهای شورشی را که مظنون به جاسازی یک بمب جاده‌ای نزدیک یک پاسگاه نظامیان آمریکایی در افغانستان بودند مشاهده کرد و بلافاصله یک فروند موشک هل فایر به سمت آن‌ها شلیک نمود. همه افراد مورد هدف پس از اصابت موشک 60 هزار دلاری بخار شدند و هنگامی که نیروهای نظامی به حفره ایجاد شده توسط انفجار رسیدند، تنها آثار باقی مانده از نیروهای شورشی یک بیلچه و یک دیلم بود.

نیویورک تایمز می‌افزاید: امروزه نیروی هوایی آمریکا روزانه 20 فروند پرتور و ریپر را بر فراز افغانستان به پرواز در می‌آورد که این دو برابر تعدادی است که سال گذشته به پرواز در می‌آمدند. این علاوه بر پهبادهای نیروهای آلمانی و انگلیسی است که به عنوان متحدان آمریکا در افغانستان حضوری فعال دارند.

این روزنامه ادامه می‌دهد: بر اساس اطلاعات درز کرده، مأموریت هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا شامل گردآوری تصاویر شناسایی،

ضبط و ردیابی ارتباطات الکترونیکی، ارسال تصاویر درگیری‌ها به فرماندهان جنگی، هدف قرار دادن شورشیان مسلح و حمایت از نیروهای ویژه آمریکا در مأموریت‌ها است.

"افشین جان رادسان"، یک وکیل سابق سیا که در دانشکده حقوق "ویلیام میچل" در ایالت مینسوتا تدریس می‌کند در پاسخ به هیئت حقیقت‌یاب مجلس نمایندگان آمریکا در آوریل اظهار داشت: "آینده جنگ‌ها در دست پهبادهای قاتل است."

&8226#; حکمرانی سیا در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین سی کیو ریسرچر در این خصوص می‌نویسد: آنچه که این آینده را تحت الشعاع قرار داده، این است که هواپیماهای بدون سرنشین جنگی چگونه، کجا و توسط چه کسی اداره خواهند شد. این نگرانی خصوصاً در مورد برنامه پهبادی سیا مشهود است که بر اساس گزارش‌ها، تاکنون نیروهای مظنون را در غرب پاکستان و سایر نقاط پرخطر که نیروهای آمریکایی حضور مستقیم ندارند - مانند یمن که در سال 2002 میلادی، حمله یک هواپیمای بدون سرنشین به کشته شدن گروهی از مظنونین به همکاری با القاعده شامل یک شهروند آمریکایی در این کشور انجامید - هدف قرار داده است.

این نشریه می‌افزاید: حملات سیا منجر به بروز مسائل مهم قانونی متعددی در خصوص نقش کشتار هدفمند علیه القاعده و طالبان شده است. مقامات دولتی مدعی هستند که این حملات با استناد به قوانین مربوط به حق دفاع از خود، قوانین بین‌المللی در خصوص درگیری‌های مسلحانه و قانون اجازه استفاده از نیروی نظامی - که به عنوان قانون یازده سپتامبر شناخته شده و پس از حملات تروریستی سال 2001 توسط کنگره تصویب شد - قانونی به‌شمار می‌آیند.

&8226#; حملات هواپیماهای بدون سرنشین تنها ابزار موجود جهت مقابله با القاعده در ماه مارس، "هارولد کوه" (Harold Koh) مشاور حقوقی وزارت امور خارجه آمریکا با دفاع از به کارگیری هواپیماهای بدون سرنشین توسط دولت جهت کشتار هدفمند، آن را چنین توجیه کرد که ایالات متحده بر اساس "حق طبیعی استفاده از قوه قهریه جهت دفاع از خود مبتنی بر قوانین بین‌المللی موجود"، می‌تواند از این ابزار استفاده کند.

سی کیو ریسرچر در این خصوص می‌نویسد: این در حالی است که "لئون پانتا"، رئیس سازمان سیا، حملات هواپیماهای بدون سرنشین را به عنوان "تنها ابزار موجود جهت مقابله با القاعده و ایجاد اختلال در سطوح رهبری این گروه" توصیف کرده است. این نشریه می‌افزاید: اما منتقدان معتقدند که حملات سیا در داخل پاکستان قوانین بین‌المللی جنگ را نقض می‌کنند زیرا آمریکا در وضعیت جنگ با این کشور قرار ندارد، هواپیماهای بدون سرنشین به کار گرفته شده به عنوان بخشی از عملیات نظامی در دستور کار نیروهای مسلح پاکستان به‌شمار نمی‌آیند و هدایت این پرنده‌ها به صورت مخفیانه و از سوی نیروهای غیر نظامی که دور از منطقه عملیات قرار دارند، صورت می‌پذیرد.

"ماری ال اوکانل" (Mary Ellen O'Connell)، استاد حقوق در دانشگاه نوتردام در این خصوص می‌گوید: "در نهایت هرگز نمی‌توان مبناي قانونی برای این‌گونه اقدامات سیا پیدا کرد. افرادی مانند مصطفی ابوالیزید باید از طریق قانونی تحت پیگرد نیروهای امنیتی قرار گیرند و نه از طریق حملات مخفیانه نظامی به قتل برسند."

"فیلیپ آلستون"، سخنگوی ویژه سازمان ملل متحد در خصوص اقدامات فراقانونی، در گزارشی که بهار امسال منتشر کرد، ضمن انتقاد شدید از کشتار هدفمند مظنونین تروریستی و استفاده از پهبادها در این راستا، آن را با عناوینی چون "دور زدن استانداردهای شفاف قانونی با استفاده از مجوزی مبهم جهت ارتکاب قتل و ایجاد خلاء پاسخگویی" توصیف نمود و در خصوص "ایجاد متبادر کردن کشتار به وسیله هواپیماهای بدون سرنشین به‌صورت بازیهایی مجازی در اذهان عمومی" هشدار داد.

این در حالی است که یکی از سخنگوهای سازمان سیا در گفتگو با روزنامه "یو.اس. نیوز اند ورلد ریپورت" (U.S. News and World Report) مدعی شد: بدون نام بردن از هیچ عملیات بخصوصی، بیان می‌دارم که اقدامات سازمان از همان ابتدا به گونه‌ای طراحی شده‌اند که کاملاً قانونی و تحت نظارت دقیق باشند.

همچنین "جین مایر" (Jane Mayer)، خبرنگار مجله نیویورکر در شرح مفصلي از برنامه هواپیماهای بدون سرنشین سیا که پائیز گذشته منتشر شد، نوشت: به‌رغم آنکه پروژه پهباد پرده‌پوشی نمادی از استفاده بی‌حد و مرز و بی‌بند از قدرت مرگبار توسط دولت به‌شمار می‌آید، اما این موضوع به شکل غیر قابل باوری به‌دور از مباحثات عمومی قرار گرفته است.

وی افزود: همچنین به دلیل پنهان‌کاری سیا در این زمینه، هیچ ساز و کار مشهودی برای پاسخگویی در قبال پروژه استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین قاتل وجود ندارد. این در حالی است که سیا طی سال‌های اخیر، غیر نظامیان بی‌شماری را در یک کشور بی‌ثبات و هسته‌ای که آمریکا با آن درجنگ نیست (پاکستان)، به قتل رسانده است.

در کنگره، جایی که بهار امسال جلسات رسیدگی به سیاست استفاده از پرنده‌های بدون سرنشین برگزار شد، "جان اف تیرنی" (John F. Tierney)، نماینده جمهوری خواه ایالت ماساچوست که ریاست کمیته جانبی امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نمایندگان را نیز بر عهده دارد، اظهار داشت: "در مجموع هدف قرار دادن افراد و بالاخص استفاده از سلاح‌های بدون سرنشین برای کشتن انسان‌ها، سؤالات حقوقی پیچیده‌ای را برمی‌انگیزد. ما باید ابتدا معیاری را که می‌توانیم بر اساس آن افراد را به صورت مشروع هدف قرار دهیم تعیین نماییم و سپس مکان هدف قرار گرفتن آن‌ها را بررسی کرده و مطمئن شویم که میزان خسارات جانبی بیش از حد و زیاد نباشد."

همچنین طبق اظهارات "پی دبلیو سینگر" (P. W. Singer)، از دستیاران ارشد مؤسسه بروکینگز "دست کم 40 کشور شامل ایران، چین و روسیه، در حال ساخت، خرید و استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین هستند."

وي در كتاب خود "انقلاب روباتيك و نبردها در قرن 21"، مي‌نويسد: آنچه كه با آن مواجه هستيم نه تنها مباحثه‌اي در خصوص توانايي‌هاي اين سيستم‌ها (هواپيماهاي بدون سرنشين) است، بلكه بحث درباره افراي است كه واجد شرايط استفاده از اين ابزار هستند. اينكه چه كساني مي‌توانند آن‌ها را به كار گيرد، طيف گسترده‌اي از نيروهاي مسلح، دولت فدرال، پليس محلي و حتي دست‌اندركاران غير نظامي را در بر مي‌گيرد.

سي‌كيو ريسرچر مي‌نويسد: متخصصان امنيت ملي نگران هستند كه اگر پهبادها به دست گروه‌هاي تروريستي بيافتند، آنگاه ايالات متحده خود در معرض حمله قرار خواهد گرفت.

"گري سوليس" (Gary Solis)، استاد سابق حقوق در مدرسه نظامي آمريكا در وست پوينت و استاده فعلي مركز حقوق دانشگاه جرج تاون (George Town) در اين خصوص مي‌گويد: "يك منطق ساده نشان مي‌دهد كه پهبادها هر روز به خطر بزرگ‌تر و بالقوه‌تر (براي آمريكا) تبديل مي‌شوند."

در حالي كه استفاده از پهبادها افزايش روزافزوني يافته است، سؤالات بسياري در رابطه با آن‌ها از سوي سياستگذاران، تحليلگران حقوقي و حاميان حقوق بشر مطرح است كه برخي از آن‌ها در ذيل مي‌آيد.

8226•: آیا حملات هواپيماهاي بدون سرنشين در چهارچوب قوانين بين‌المللي قرار دارند؟

كارشناسان حقوقي و هواداران حقوق بشر در مباحث خود در خصوص حملات هواپيماهاي بدون سرنشين، بيشتر بر حملات صورت گرفته توسط سيا در پاكستان تمرکز دارند. در اين خصوص چند نکته كليدي وجود دارد، از جمله آنكه:

- آیا هدف قرار دادن جنگجوها و كشتن آن‌ها تنها راه است يا جايزگزين‌هاي ديگري نيز مانند دستگيري يا بازداشت آن‌ها وجود دارد؟
- آیا شدت حملات - با در نظر گرفتن تلفات غير نظامي و خسارات جانبي - تناسب با ميزان تهديد اعمال شده از سوي شبهه نظاميان دارد؟

- آیا هدايتگران پهبادها كه در خدمت سيا و نه نيروهاي مسلح قرار دارند، در چهارچوب قوانين بين‌المللي و در برخي موارد خاص در چهارچوب قوانين جنگي قرار دارند و به عنوان "رزمندگان قانوني" شناخته مي‌شوند؟

- آیا مظنونيني كه در مناطق مرزي پاكستان و افغانستان پنهان شده‌اند، مستقيماً درگير تنش با ايالات متحده هستند تا به عنوان اهداف قانوني شناخته شوند؟

- آیا اخذ مجوز رسمي از دولت پاكستان از سوي آمريكا جهت استفاده از هواپيماهاي بدون سرنشين در خاك اين كشور اهميتي دارد؟

8226•: جنجال حقوقي

سي‌كيو ريسرچر در اين خصوص مي‌نويسد: پاسخ به اين سؤالات دشوار است زيرا آن‌ها در دو حوزه قانوني جداگانه مي‌گنجند. يكي از اين اصول "قانون بين‌المللي بشر دوستي" - كه به عنوان قانون جنگ مسلحانه نيز شناخته مي‌شود - است. اين قوانين با استناد به توافقات بين‌المللي طي سال‌هاي متمادي، ايجاد شده‌اند و به موجب آن‌ها، رزمندگان قانوني كه معمولاً از نيروهاي اونيفورم پوش عضو نيروهاي مسلح كشوري بخصوص تشكيل شده‌اند، از حق حمله به جنگجويان يا حتي غيرنظامياني كه مستقيماً در تنش‌ها نقش دارند، برخوردار مي‌باشند.

اين نشریه مي‌افزايد: اصل ديگري كه با استناد به آن موضوع حملات هواپيماهاي بدون سرنشين مورد بحث و بررسي قرار مي‌گيرد، "اصل دفاع از خود" است كه به موجب آن ملت‌ها مي‌توانند مدعي حق استفاده از نيروي مرگبار جهت دفاع از منافع ملي خود در ميدان‌هاي نبرد و حتي خارج از آن شوند.

به نوشته نشریه داخلي كنگره آمريكا، كوه مشاور حقوقي وزارت امور خارجه آمريكا در دفاع ماه مارس خود از حملات هواپيماهاي بدون سرنشين، به اين دو اصل استناد كرد. وي در اين سخنراني، مستقيماً نامي از حملات پهبادي مخفيانه سيا نبرد و تنها به ذكر "آنچه كه مي‌توانم در انظار عمومي در خصوص كشتار هدفمند جنگجويان بيان كنم" اکتفا كرد ولي تأکید كرد كه حملات هواپيماهاي بدون سرنشين قانوني بوده و در چهارچوب قوانين جنگي مي‌گنجد.

وي در ادامه اظهار داشت: بر اساس قوانين بين‌المللي و مسؤليت‌هايي كه در قبال شهروندان خود دارد، دولت ايالات متحده مجاز است جهت دفاع از خود از زور، خصوصاً نيروي مرگبار، استفاده كند. دشمن تروريست ما (آمريكا) نيروي متعارف در اختيار ندارد اما ضمن مخفي شدن در ميان غير نظاميان، حملات خود را عليه ما برنامه‌ريزي و اجرا مي‌كند. چنين رفتاري پايبندي به قوانين بين‌المللي را دشوارتر و محافظت از غير نظاميان بي‌گناه را سخت‌تر مي‌سازد.

به نوشته سي‌كيو ريسرچر، بسياري از نخبگان آمريكا با ديده‌گاه كوه در خصوص به‌كارگيري هواپيماهاي بدون سرنشين، حتي از سوي سيا، در پاكستان موافق بوده و آن را قانوني و در چهارچوب قوانين بين‌المللي و حق دفاع از خود مي‌دانند.

"كنت اندرسون"، استاد حقوق در دانشگاه آمريكا (American University) و از همكاران مؤسسه محافظه‌كار "هوفر" (Hoover Institute) در دانشگاه استنفورد، بر اين باور است كه حملات هواپيماهاي بدون سرنشين بر اساس دكترين دفاع از خود قانوني بوده و چنين رفتارهايي سابقه طولاني در سياست آمريكايي دارند.

وي بيان مي‌دارد: "تروريست‌هاي پناه گرفته در غرب پاكستان و ساير مناطق نظير يمن و سومالي، خطر مستقيمي براي امنيت آمريكا به حساب مي‌آيند، حتي اگر مخفي‌گاه‌هاي آن‌ها در كشورهاي مستقل و خارج از مناطقي باشد كه ارتش ايالات متحده رسماً در آن‌ها مشغول جنگ است."

اندرسون بر اين باور است كه اظهاراتش تأييدي بر دكترين دفاع از خود است كه در سال 1989 توسط "آبراهام سوفائر" (Abraham

(Sofaer) مشاور حقوقی وقت وزارت امور خارجه آمریکا مطرح شد.

سوفائر در آن سال بیان داشت: "آمریکا از این حق که هر کشوری اجازه هدف قرار دادن تروریست‌ها در خاک کشوری دیگر که تروریست‌ها از آن جهت اجرای حملات تروریستی خود استفاده می‌کنند و کشور مزبور نتوانسته در پاسخ به درخواست‌های کشور عمل کننده اقدام مؤثری جهت توقف عملیات تروریستی از خاک خود انجام دهد، حمایت می‌کند."

"رادستان"، استاد حقوق که طی سال‌های 2002 تا 2004 به عنوان دستیار مشاور حقوقی سیا خدمت کرده است، معتقد است که قانون بین‌المللی جنگ‌های مسلحانه اصل دفاع از خود می‌تواند توجیهی برای حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در مناطق غربی پاکستان باشد. وی ضمن تکیه بر قانون بین‌المللی مذکور، می‌گوید: "من معتقدم که تئوری دفاع از خود حیثه بسیار گسترده‌ای را پوشش می‌دهد و لذا کمتر در این زمینه مناسب است."

اما نگرانی اصلی وی این است که قوانین آمریکا در تطبیق خود با تحولات استفاده از فناوری هواپیماهای بدون سرنشین - خصوصا استفاده نیروهای غیر نظامی مانند مأموران سیا از این فناوری - عقب افتاده‌اند.

به نوشته سی کیو ریسرچر، این استاد دانشگاه بیان می‌دارد: به عنوان یک کشور مستقل، ما باید الگوی قانونی انعطاف‌پذیری ایجاد کنیم که به عنوان رابطی میان درگیری‌های مسلحانه و اقدامات محافظتی عمل کند. در این راستا شاید لازم باشد نظارت‌هایی سنگین‌تری نسبت به آنچه در خصوص عملیات‌های نظامی متعارف اعمال می‌شود، اعمال کنیم.

"ویلیام سی بنکز" (William C. Banks)، مدیر مؤسسه امنیت ملی و ضد تروریسم در دانشگاه "سیراکیوز" (Syracuse University)، نیز کشتار هدفمند را تا زمانی که در چهارچوب عملیات نظامی بگنجد، قانونی می‌داند.

وی در این باره می‌گوید: "ما در حال حاضر به طور وضوح درگیر یک نبرد نظامی علیه القاعده و طالبان هستیم. اما سؤال ظریف‌تر و قابل تأمل‌تر این است که آیا منطقه عملیاتی شامل پاکستان نیز می‌شود؟"

بنکز در ادامه اظهار می‌دارد که منطقه درگیری نظامی شامل پاکستان نیز می‌شود زیرا تروریست‌ها از مخفی‌گاه‌های خود در مناطق مرزی بین پاکستان و افغانستان، هم داخل خاک افغانستان عملیات انجام می‌دهند و هم دولت پاکستان را هدف قرار می‌دهند.

او می‌افزاید: "لذا بر اساس قانون بین‌المللی بشر دوستی، تنها باید بررسی شود که آیا باید به صورت مداوم در این مناطق از زور استفاده شود؟ پاسخ این سؤال با در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود، مثبت است."

این در حالی است که بنکز، در شهادت خود در مقابل کنگره در بهار، اظهار داشت که قوانین معاصر نتوانسته‌اند خود را با انعطافات موجود در درگیری‌های نظامی، تطبیق دهند. او اظهار داشت: "ضعف نظام حقوقی در هیچ کجای دیگر مشهودتر از پرونده کشتارهای هدفمند نیست."

بنکز همچنین مدعی شد که قوانین ایالات متحده و قوانین بین‌المللی در مورد درگیری‌های مسلحانه مشترکا در برخورد با "پدیده‌ای که جنجال‌ها و نزاع‌های فراوانی در ارتباط با آن وجود دارد"، ضعیف عمل کرده‌اند.

وی در مقابل کمیته تحقیق مجلس نمایندگان چنین اظهار داشت: "توجه کمی به به‌روزرسانی قوانین برای تطبیق آن‌ها با درگیری‌های نوین انجام شده است. کنگره لطف بزرگی در حق همه ما (آمریکایی‌ها) می‌کند اگر تمرکز خود را بر تصویب سیاست‌ها و ضوابطی قرار دهد که اجازه استفاده از زور علیه تروریسم غیر دولتی را توسط دولت بدهد."

سی کیو ریسرچر در ادامه می‌نویسد: بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که دولت پاکستان بی سروصدا چشم خود را بر روی برخی از حملات هواپیماهای بدون سرنشین بسته و علت حمایت در سکوت آن نیز جلوگیری از دامن‌زدن به احساسات ضد غربی در کشور خود بوده است.

این نشریه ادامه می‌دهد: این در حالی است که سایر ناظرین معتقدند اگر دولت پاکستان رسماً و با صدای بلند حمایت خود را از این حملات اعلام نکند، انجام آن‌ها کماکان غیر قانونی خواهد بود.

به نوشته سی کیو ریسرچر، بسیاری از کارشناسان حقوقی معتقدند که عملیات‌های انجام شده توسط هواپیماهای بدون سرنشین که توسط سازمان غیر نظامی سیا و خارج از چهارچوب فعالیت نیروهای مسلح انجام می‌گیرد، غیر قانونی است.

اوکانل در این باره می‌گوید: "تنها نیروهای مسلح آمریکا، و نه سازمان سیا، می‌توانند به صورت قانونی از هواپیماهای بدون سرنشین جهت انجام حملات در پاکستان استفاده کنند آن هم در صورتی که دولت پاکستان رسماً از دولت ایالات متحده جهت سرکوب چالشی که برای دولت غیر نظامی این کشور ایجاد شده باشد، کمک بخواهد."

وی شدیداً با این دیدگاه که قانون دفاع از خود اجازه انجام حملات از طریق هواپیماهای بدون سرنشین در داخل خاک پاکستان را داده است، مخالفت می‌ورزد. اوکانل در این خصوص اظهار داشت: "آمریکا تنها در صورتی می‌تواند برای انجام این حملات به اصل دفاع از خود استناد کند که پاکستان رسماً مسئول حمله مسلحانه به ایالات متحده شناخته شود. تنها حمله مسلحانه است که حق دفاع از خود را قابل استدلال می‌سازد."

آلستون نیز در یک بیانیه، نگرانی‌های خود را در خصوص پنهان‌کاری که برنامه حملات پهبادی سیا را احاطه کرده است، ابراز داشت. وی در این بیانیه اظهار داشت: جامعه بین‌المللی نمی‌داند سیا کجا و چه زمانی مجاز به ارتکاب قتل است. معیار تشخیص اهدافی که باید کشته شوند چیست، چه ضوابطی برای حصول اطمینان از قانونی بودن این کشتارها وجود دارد و هنگامی که افراد غیر نظامی و بی‌گناه به صورت غیر قانونی کشته می‌شوند، موضوع چگونه پی‌گیری می‌شود.

وی افزود: در مواردی که اعلام نمی‌شود چه کسی و به چه دلیلی کشته شده است و اینکه آیا افراد بی‌گناه و غیر نظامی نیز (در حمله) کشته شده‌اند یا خیر، اصل بین‌المللی پاسخگویی رسماً نقض و پایمال شده است.

به نوشته نشریه داخلی کنگره آمریکا، اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا در بهار سال جاری طی نامه‌ای به اوباما، قانونی بودن کشتار

هدفمند مزنونی تروریستی را زیر سؤال برده و بیان داشت: کل جهان منطقه جنگی محسوب نمی‌شود و لذا نمی‌توان تکنیک‌ها و تاکتیک‌هایی که در مناطق جنگی مانند عراق و افغانستان استفاده می‌شود را در سایر مناطق جهان به بهانه اینکه تروریستی ممکن است در آنجا مخفی شده باشد، به‌کار گرفت.

سی کیو ریسرچر در این باره می‌نویسد: اینکه تاکنون چه تعداد غیر نظامی قربانی حملات هواپیماهای بدون سرنشین در پاکستان شده‌اند، تنها به‌صورت حدس و گمان مطرح می‌شود. با توجه به اینکه برنامه‌های مربوط به پرندehای بدون سرنشین سیا در هاله‌ای از پنهان‌کاری پوشیده شده و امکان تشخیص دوست از دشمن در مناطق مرزی پاکستان - افغانستان بسیار دشوار است، تعداد افراد عادی کشته شده در حملات هواپیماهای بدون سرنشین به‌دقت قابل اندازه‌گیری نیست. این مطلب موجب می‌شود بسیاری از تحلیلگران در خصوص مفید و مؤثر بودن این پرنده‌ها به عنوان ابزار ضد تروریستی، شک کنند. این نشریه می‌افزاید: اواسط ماه ژانویه، محققان بنیاد آمریکایی جدید اعلام کردند که بر اساس محاسبات آن‌ها، حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی در پاکستان از سال 2004 تاکنون، دست‌کم یک هزار و 40 نفر را به کام مرگ فرستاده است. سی کیو ریسرچر می‌نویسد: بر اساس گزارش بنیاد مزبور، حتی اگر گزارش رسانه‌ها مبنی بر اینکه دو سوم قربانیان این حملات از شبه‌نظامیان بوده‌اند، صحیح باشد، باز هم یک سوم کشته‌های حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی غیر نظامی بوده‌اند که خود رقم قابل اعتنایی است.

این نشریه می‌افزاید: شهادت کیلکولن و اعلام کشته شدن 700 غیر نظامی پاکستانی در حملات هواپیماهای بدون سرنشین، باره‌ها در مباحث مربوط به این پرنده‌ها مورد استناد واقع شد. در این خصوص "سی کریستین فیر" (C. Christine Fair)، استادیار علوم امنیتی دانشگاه جورج تاون در مقاله‌ای که بهار امسال منتشر کرد، چنین نتیجه گرفت که "اگر اطلاعات ارائه شده (توسط کیلکولن) ساختگی نبوده باشد، پس این امر که حملات هواپیماهای بدون سرنشین موجب ظهور تروریست‌های بیشتری می‌شود، قطعاً حقیقت خواهد داشت."

به نوشته سی کیو ریسرچر، به‌رغم آنکه هواداران حملات هواپیماهای بدون سرنشین در دفاع خود از این حملات به گزارش‌های منتشر شده از افزایش روزافزون دقت هدف‌گیری این پهبادها استناد می‌کنند، اما منتقدان معتقدند که حتی اگر هدف‌گیری‌ها دقیق بوده و فقط جنگجویان و شورشیان را هدف قرار دهد، بازهم بذرافراط‌گرایی و گرایش به جنگجویان را آبیاری می‌نماید. این نشریه در ادامه آورده است: یکی از نگرانی‌های اصلی، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین به عنوان روشی برای مقابله با نفوذ جنگجویان است. این موضوع محور انتقادات ژنرال "استلی مک‌کریستال"، فرمانده سابق نیروهای آمریکایی و بخشی از همکاران او از استراتژی جنگی دولت اوباما در افغانستان طی یک مصاحبه با مجله‌ای در ماه ژانویه بود که سرانجام به اخراج وی انجامید. حال باید دید که جانشین مک‌کریستال یعنی ژنرال پترائوس تا چه حد به این استراتژی پایبند خواهد ماند. اوکائل نیز معتقد است حملات هواپیماهای بدون سرنشین تلاش‌ها برای ریشه‌کن کردن افراط‌گرایی در غرب پاکستان را ناکام گذاشته و موجب شکست اقدام‌های صورت گرفته برای کسب اعتماد نسبت به ایالات متحده در افغانستان شده است. وی در این باره می‌گوید: "اگر حملات هواپیماهای بدون سرنشین موجب افزایش اشتیاق به انتقام در میان مردم شده و خشم آن‌ها را نسبت به برتری ناعادلانه افرادی که این ربات‌های پرنده را هدایت می‌کنند در جنگ علیه آن‌ها مشتعل‌تر سازد و اگر این پهبادها بی‌حساب به کشتار غیر نظامیان ادامه دهند، آیا این حملات در حقیقت موجب مقاومت علیه آمریکا نخواهد شد. آیا دست‌اندرکاران برنامه هواپیماهای بدون سرنشین به دنبال شعله‌ور ساختن و تشدید شورش‌ها و نزاع‌ها هستند؟ این در حالی است که رادستان معتقد است باید از دو دیدگاه بلند مدت و کوتاه مدت به حملات هواپیماهای بدون سرنشین علیه تروریست‌ها نگریسته شود.

او می‌گوید: "در دیدگاه کوتاه مدت، ما افراد بد را می‌کشیم. ما ابزار دیگری (غیر از هواپیماهای بدون سرنشین) برای دسترسی به این افراد نداریم. ولی من می‌پذیرم که اگر این حملات موجب جذب مردم به جنگجویان می‌شود، این امر در دراز مدت موجب بروز مشکلاتی در سیاست ضد تروریستی ما خواهد شد."

رادستان مؤثر بودن حملات هواپیماهای بدون سرنشین را وابسته به جایگاه شخصی می‌داند که هدف قرار گرفته شده است. او معتقد است که اگر این حملات افراد بلند پایه‌ای مانند "اسامه بن‌لادن"، رهبر القاعده یا معاون وی "ایمن الظواهری" را هدف قرار دهند، می‌توان آن‌ها را مؤثر ارزیابی کرد و در غیر این صورت آن‌ها غیر مؤثر بوده‌اند.

"دانیل بایمن" (Daniel L. Byman)، مدیر مرکز مطالعات صلح و امنیت در دانشگاه جرج تاون نیز معتقد است: "من بین پیشگیری - به معنی جلوگیری از پیوستن افراد به گروه‌های شبهه‌نظامی - و ایجاد اختلال در فعالیت‌های آن‌ها تفاوت قائم. من گمان نمی‌کنم حملات هواپیماهای بدون سرنشین هیچ تأثیری در جلوگیری از پیوستن افراد به این گروه‌ها داشته باشد ولی معتقدم تأثیرات اختلالی آن قابل اعتنا است."

وی در ادامه در یادداشتی که سال گذشته میلادی در خصوص کشتار هدفمند نوشته بود، آورده است: "ما (آمریکا) نباید چنین وانمود کنیم که این کشتارها چیزی بیش از یک اقدام کوتاه مدت است که در بهترین حالت، تنها خطر القاعده را کاهش می‌دهد ولی به هیچ‌وجه آن را از بین نمی‌برد. راهکار اصلی برای توقف فعالیت‌های القاعده در پاکستان حمایت از اقدامات ضد تروریستی دولت این کشور است. اما در حال حاضر کشتار هدفمند یکی از معدود گزینه‌های موجود برای ایالات متحده (در برخورد با القاعده) به‌شمار می‌آید."

8226&#; آیا استفاده از فناوری هواپیماهای بدون سرنشین در جنگ اخلاقی است؟

سي کيو ريسرچر در اين خصوص مي نويسد: سال گذشته ميلادي، "لرد بينگهام"، از قضات ارشد بازنشسته انگلستان پيش بيني کرد که ممکن است در آينده نزديک به هواپيماهاي بدون سرنشين، مانند انواع مين و بمبهاي خوشه اي، به عنوان "ابزاري خشن که فراتر از حيطه انسانيت قرار دارد" نگرسته شود.

بينگهام مي افزايد: من قصد ندارم نظر بدهم، اما شايد هواپيماهاي بدون سرنشين که امکان دارد بر خانه هاي مملو از افراد غير نظامي فروافتند، جنگ افزاري به شمار آيند که جامعه جهاني تصميم به عدم استفاده از آنها بگيرد.

• آیا استفاده از اين فناوري در جنگ مناسب جايز است؟

نشريه داخلي کنگره آمريکا در ادامه گزارش خود آورده است: قطعا همه هواپيماهاي بدون سرنشيني که در مناطق جنگي به کار گرفته مي شوند، مأموريت کشتار ندارند. شايد از آنها جهت تعيين اهداف براي انجام مأموريت ها توسط هواپيماهاي سرنشين دار و يا شناسايي محيط نبرد استفاده شود. اما اظهارات بينگهام سؤالات ريشه اي در خصوص موضوع استفاده از پهبادهاي نظامي برمي انگيزد و آن هم اين است: آیا استفاده از اين فناوري در جنگ مناسب جايز است؟

به نوشته سي کيو ريسرچر، برخي کارشناسان نظامي معتقدند که هواپيماهاي بدون سرنشين تنها سلاحي جديد و پيشرفته، مانند آنچه تانک ها و مسلسل ها زماني به شمار مي آمدند، به شمار مي آيند اما منتقدان در خصوص ابعاد اخلاقي استفاده از تسليحاتي که غير نظاميان را در معرض خطر قرار مي دهند در حالي که هدايت گران اين جنگ افزاراها از خطر دور هستند، هشدار مي دهند.

مجله "قرن مسيحي" (The Christian Century) در اين زمينه مي نويسد: بر اساس اصول جنگ عادلانه، بهتر است زندگي يك رزمنده در معرض خطر قرار گيرد تا زندگي تعداد زيادي از افراد عادي. اما اين اصل اخلاقي در مورد جنگ افزاري بدون سرنشين اصلا صدق نمي کند زيرا هدايت گران اين تسليحات به هيچ وجه جان خود را به خطر نمي اندازند.

سي کيو ريسرچر در ادامه مي افزايد: برخي متخصصان بر اين باورند که با گسترش استفاده از هواپيماهاي بدون سرنشين و ساير جنگ افزاري ربات محور، اين احساس که مي توان بدون متحمل شدن هزينه هاي گزاف جنگ به راه انداختن نيز در اذهان عمومي شکل مي گيرد.

سينگر هم در کتاب "جنگ عجيب" (Wired War) خود، به نقل از يك مقام سابق وزارت دفاع آمريکا (پنتاگون) مي نويسد: تکنولوژي هاي نوين اين وسوسه را در ميان عامه مردم ايجاد مي کند که راه اندازي و جنگ ها و جنگيدن بسيار آسان است. لذا شاهد بازيابي براي جنگ ها و مباحثات و مناظرات جهت توجيه اقتصادي آنها خواهيم بود.

سينگر هم چنين ذکر مي کند که امروزه تصاوير گرفته شده و هدف قرار گرفتن انسان ها و اهداف توسط هواپيماهاي بدون سرنشين در سايت "يو تيوب" (YouTube) قابل مشاهده است که اين خود تبديل جنگ به نوعي "تفريح و سرگرمي" محسوب مي شود. وي مي افزايد: رفتن به جنگ، طي پنج هزار سال گذشته، به معني رفتن به محلي چنان خطرناک بوده که شايد هرگز بازگشتي از آن نباشد ولي امروزه اين مفهوم براي جمع کثيري از مردم تداعي گر آن است که صبح از خواب برخاسته و با اتومبيل به پشت دستگاه رايانه اي خود برويم و بجنگيم و سپس با پايان ساعت اداري، مأموريت را به پايان برده و مجدد به خانه برگرديم. او ادامه مي دهد: اين امر پديده اي جديد و بسيار چالش برانگيز است.

• تلفات حملات هواپيماهاي بدون سرنشين از ابتدا تا 27 ژانويه سال 2010 بين 276 تا 465 نفر بوده است

بر اساس آمارهاي ارائه شده در گزارشي تحت عنوان "سال پهبادها: تحليلي بر حملات هواپيماهاي بدون سرنشين آمريکا در پاکستان از سال 2004 تا 2010" که توسط بنياد آمريکاي جديد در سال جاري ميلادي تنظيم شده است، تعداد حملات هواپيماهاي بدون سرنشين آمريکا در پاکستان بين سال هاي 2004 تا 2007 ميلادي 9 مورد بود که اين تعداد در سال 2008، 34 مورد، در سال 2009 به 53 مورد و از ابتدا تا پايان ژانويه سال 2010، 50 مورد بوده است.

هم چنين طبق گزارش مزبور، ميزان تلفات اين حملات در سال هاي 2004 تا 2007 بين 86 تا 109 نفر، در سال 2008 بين 263 تا 296 نفر، در سال 2009 بين 413 تا 709 نفر و از ابتدا تا 27 ژانويه سال 2010 بين 276 تا 465 نفر گزارش شده است.

اين آمار بيانگر آن است که از سال 2004 ميلادي تاکنون، بين يك هزار و 40 نفر تا يك هزار و 579 نفر در حملات هواپيماهاي بدون سرنشين آمريکا به مناطق مختلف پاکستان، جان خود را از دست داده اند.